

## فقه در حقوق و احکام

امیررضا علیمحمدی<sup>۱</sup>

کارشناسی، آموزش الهیات، پردیس شهید رجایی ارومیه (فرهنگیان)

### چکیده

فقه بعنوان رشته ای که علاوه بر احکام شرعی رابطه تنگاتنگی با حقوق و قضاوت دارد، با پیشرفت جوامع بشری و تربیت فقیهانی بزرگ توانسته است نیازهای شرعی و حقوقی مردم را از ادوار گذشته تاکنون بر اساس آیات قرآن کریم و همچنین روایات و سنت رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) و امامان معصوم (علیهم السّلام) برطرف نماید. امروزه علاوه بر تدریس فقه در حوزه ها، در دانشگاه های معتبر کشور نیز با عنوان فقه و مبانی حقوق اسلامی تدریس می شود. حقوق ملت ایران در حکومت جمهوری اسلامی ایران پس از انقلاب بر اساس فقه تنظیم گشته است. هدف از این مقاله بررسی رابطه بین فقه و مسائل حقوقی و نحوه تدوین مواد حقوق مدنی که در ارث و دیات به کار رفته است و همچنین رابطه بین متن فقه و آیات قرآن کریم در استخراج احکام تیمم و نماز مسافر می باشد.

واژگان کلیدی: فقه، احکام، قرآن، تیمم، نماز

<sup>۱</sup> نویسنده مسئول. amirrezaalimohammadi2020@gmail.com

## مقدمه

فقه در لغت به معنای فهمیدن و نیک فهمیدن و دریافتن کنه و عمق مطالب می باشد، این واژه از جمله واژگانی است که پس از تشریح شرع مقدس اسلام معنای نخستین خود را ترک کرده و در اصطلاح به معنای محدود تری اختصاص یافته است. بنابراین واژه فقه را می توان « منقول شرعی » نامید. در طول تاریخ یک هزار و چهارصد ساله فقه اسلامی تعاریف گوناگونی از آن ارائه شده است که با نقد های وارد بر آن همواره راه تکامل در پیش داشته است. در اوایل قرن دهم هجری صاحب معالم در تعریف این واژه می گوید: فقه در لغت فهمیدن را گویند و در اصطلاح دانشمندان این رشته عبارت است از « علم به احکام شرعی فرعی از راه دلیل های تفصیلی آن ها. » منظور از تفصیلی بودن ادله هم آن است که در مقابل هر حکم یک یا چند دلیل وجود داشته باشد. وی سپس به توصیف یک یک قیود این تعریف و فوائد آن ها بدین شرح پرداخته است و می افزاید: ۱- « علم به احکام » با افزودن قید احکام علم و آگاهی بر ذوات مانند زید و علم بر ویژگی های آن ذات چون بخشندگی و بی باکی او و علم بر کار هایی که از اسم او سر می زند چون دوزندگی، نویسندگی و... از تعریف بیرون می رود. ۲- با قید « شرعی » علم به احکام غیر شرعی خارج می شود-۳- با وجودی قید « فرعی » تعریف شامل اصول دین چون خداشناسی و شناخت یگانگی او و... نخواهد بود-۴- آنجا که گفته شد « از راه دلیل... » علم خداوند که در ذات او است فرشتگان که از راه آن ذات است و دانش پیامبر که از راه وحی به دست آمده گرچه بر احکام شرعی فرعی تعلق گیرد از تعریف فقه خارج است. ۵- بالأخره با قید « تفصیلی » فقه علم به احکام شرعی فرعی یا به دست آوردن و وظیفه عملی از راه ادله تفصیلی است.

## مبانی فقه:

اگر فقه را مجموعه دستورات الهی در چارچوب وظیفه عملی انسانی بدانیم، تاریخ آن به آغاز خلقت انسان و شروع ادیان الهی باز می گردد؛ ولی تاریخ فقه اسلامی و شیوه استنباط و فتوا دادن و عمل به فتوای فقها به عصر معصومین (علیهم السّلام) باز می گردد؛ چون خداوند سبحان در قرآن کریم دستور « تفقه » در سوره توبه را برای عده ای از افراد صادر نموده و در پی آن پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و امامان معصوم (علیهم السّلام) در عمل آن را اجرا کرده اند که به نمونه هایی از آن ها اشاره می کنیم: عصر امام باقر (علیه السّلام) و امام صادق (علیه السّلام) دوره تحول حکومت امویان به عباسیان بود و در این دوره تا اندازه ای اختناق عمومی کاسته و دستیابی به پیشوایان دینی آسان شد و آن بزرگواران توانستند با برپایی حوزه دینی و پرورش عالمان دینی به گسترش معارف مذهب بپردازند. آنان در علوم مورد نیاز، شاگردان زیر دستی تربیت کردند و در بخش فقه و احکام عملی نیز ضمن آموختن روش استنباط و مسائل شرعی از منابع آن و کیفیت جمع بین روایات و فهم آیات، فقیهانی همچون محمد ابن مسلم، زراره ابن اعین، ابان ابن تغلب و ابا بصیر را پروراندند، تا به نیاز های فقهی مردم پاسخ دهند و در مواردی که به معصوم (علیه السّلام) نمی توان دست یافت، پاسخگوی سوال های مردم باشند. پس از گذشت دوره حضور امامان معصوم (علیه السّلام) و پیش آمدن عصر غیبت، برای برآوردن نیاز های دینی و فقهی مردم، عالمان بزرگوار با تحمّل مرارت های بسیار و دقت های فراوان و تلاش علمی بسیار، به کشف و استخراج احکام الهی پرداختند و همواره مستضعفان از کوثر زلال معرفت آنان سیراب شده اند و هرگز این رشته علمی گسسته نشده است و همیشه در طول تاریخ فقیهان، سرآمد عالمان دینی، درس فقه و علوم مقدماتی آن از زنده ترین درس های مدارس علوم دینی و شاگردان این مکتب از شاداب ترین و پر تلاش ترین دانش پژوهان رشته های مختلف علوم متداول هر عصری بوده اند.

## فقه و مسائل حقوقی:

یکی از مسائل مهم و امر اساسی در هر حکومتی داشتن قانون اساسی است. پس از انقلاب اسلامی و تشکیل حکومت جمهوری اسلامی ایران قانون اساسی آن در تاریخ ۱۱ و ۱۲ آذر ماه ۱۳۵۸ در همه پرسی به تصویب مردم رسید. تمامی قوانین و حقوق ملت ایران بر مبنای احکام اسلامی که اصطلاحاً «فقه» نامیده می‌شود و خود دارای منابع اختصاصی است که فقها احکام حقوقی را از آن منابع استخراج می‌نمایند. این منابع عبارتند از: «کتاب، سنت، اجماع و عقل» حال به توضیح هر یک از این موارد می‌پردازیم:

### کتاب:

منظور از کتاب، همان قرآن معجزه پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) می‌باشد که به صورت وحی بر ایشان نازل گردیده است. قرآن منبعی برای استخراج احکام دینی و شرعی است و به لحاظ جامعیت آن کلیه شئون زندگی انسان را در بر می‌گیرد. لذا منبع مهمی برای قانون اساسی و حل مسائل حقوقی نیز می‌باشد. شاید به تعبیری بتوان گفت که قرآن کریم قانون اساسی مسلمین جهان است، در حقوق ایران از آیات و یا مفاهیم آن‌ها مورد استفاده قرار گرفته است.

### سنت:

در اصطلاح حقوق اسلام به معنای گفتار و کردار و تقریر معصوم (علیه السلام) است. در نظر امامیه قول و فعل و تقریر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و امامان معصوم (علیهم السلام) سنت محسوب می‌گردد. سنت بر سه قسم است: ۱- سنت عملی - ۲- سنت قولی - ۳- سنت تقریری «امضائی».

### اجماع:

در اصطلاح فقه، به معنی اتفاق نظر فقها بر یکی از احکام شرعی است به گونه‌ای که کاشف از سنت معصوم (علیه السلام) باشد. در نظر شیعه اجماع دلیل مستقلی نیست بلکه وسیله کشف سنت معصوم (علیه السلام) در واقع جزئی از سنت است.

### عقل:

شیعه عقل را نیز از منابع استنباط احکام می‌داند. و منظور از آن عبارت است از هر حکم عقلی که موجب قطع یقین به حکم شرعی گردد. حال که با رابطه فقه با حقوق تا حدودی پی بردیم به بررسی دو مسئله میراث و دیات می‌پردازیم تا آشکار شود مسائل حقوقی چگونه از طریق متون فقهی قابل حل می‌شوند.

### میراث:

پنج مسئله مهم در سهم الارث وارثان را مورد بررسی قرار می‌دهیم: اول: اگر تنها وارث متوفی یکی از والدین باشد و میت به جز او خویشاوندی نداشته باشد همه ترکه به او می‌رسد، ولی مادر یک سوم را به فرض می‌برد زیرا در چنین حالتی فرض او همین مقدار است و مابقی را به رد اما پدر به سبب اقریبیت وارث تمام ترکه می‌شود و هر گاه پدر و مادر باهم باشند، اگر حاجب یعنی برادر و خواهر نباشد، مادر یک سوم و با وجود حاجب یک ششم ارث می‌برد و بقیه به پدر می‌رسد. ماده ۹۰۶ قانون مدنی بر طبق این نظریه تدوین شده است. دوم: یک پسر تنها تمام مال ترکه را به ارث می‌برد، و بیش از یک پسر هم همین حکم را دارد و ترکه بین آنها علی السویه تقسیم می‌گردد، و نیز یک دختر، نصف ترکه را به فرض و مابقی آن را به رد ارث می‌برد و دو یا چند دختر دو سوم را به فرض و مابقی را به رد مالک می‌شوند اما اگر دختر و پسر باهم باشند، به پسر به اندازه سهم دو دختر ارث می‌رسد. ماده ۹۰۷ قانون مدنی بر طبق این نظریه تدوین شده است. سوم: اولاد اولاد در صورت نبودن پدر و مادرشان جانشین آن‌ها می‌شوند و سهم الارث آنان به فرزندانشان می‌رسد. مواد ۹۱۱ و ۹۱۲ قانون مدنی بر طبق این نظریه تدوین شده اند. چهارم: لباس، انگشتر، شمشیر و قرآن متوفی به عنوان حبه به پسر بزرگتر داده می‌شود. ماده ۹۱۵ قانون مدنی بر طبق این نظریه تدوین گشته است. پنجم: با وجود والدین اجداد ارث نمی‌برند ولیکن مستحب است که پدر و

مادر بخشی از ترکه خود را اطعام کنند مشروط بر اینکه برای یکی از پدر و مادر علاوه بر یک ششم تعیین شده یک ششم یا بیشتر اضافه بیاید. مطابق این نظریه نیز در ماده ۸۶۳ قانون مدنی مقرر شده است که وارثین طبقه بعد زمانی ارث می برند که از وارثین طبقه قبل کسی نباشد.

#### دیات:

به بررسی یک مسئله از دیات می پردازیم: هرکس دیگری را شبانه از خانه اش فرا بخواند چنانچه کشته کشف شود، مطابق قول اصح، دعوت کننده ضامن دیه او است و اگر مرده پیدا شود، ضامن محل تأمل است. اما اگر بیرون آوردن وی، به درخواست خود او باشد، ضمانی در کار نیست؛ زیرا تهمت منتفی است و اصل هم، برائت است. احتمال دارد ضمان ثابت گردد به دلیل عموم نص و فتوی، مصنف در شرح ارشاد در حکم این مسئله توقف کرده و سقوط ضمان را به عنوان یک احتمال بیان داشته است. اگر مطابق نص نباشد، توقف موجه است وگرنه قول به عدم ضمان اقوی است. البته اگر دیگری را دعوت کرده باشد و او خارج شده باشد قطعاً حکم سابق جاری نمی شود زیرا نص و فتوی شامل این مورد نمی شود. اگر دعوت کنندگان به خروج، متعدد باشند در جایی که ضمان به قصاص با دیه وجود دارد همگی ضامن هستند همچنانکه اگر گروهی در جنایت همکاری داشته باشند چنین است، اگر دعوت شدگان چند نفر باشند، دعوت کننده مطلقاً ضامن هر یک از آن ها به طور مستقل است به طوری که تفصیل داده شد. ماده ۳۳۸ قانون مجازات اسلامی نیز بر طبق نوشته فوق تنظیم شده است. همانطور که مشاهده می کنیم فقه به دلیل نگارش آن از منابعی که گفته شد همواره در تمام ادوار می تواند بهترین منبع برای پاسخگویی به مسائل حقوقی باشد.

#### فقه در قرآن کریم:

فقه علاوه بر مسائل حقوقی در احکام شرعی نیز دخالت دارد. قرآن به عنوان کتابی آسمانی که از طریق وحی بر پیامبر اکرم حضرت محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله) نازل گردیده، بزرگترین منبع برای شناسایی و استخراج احکام الهی می باشد. حال به بررسی نمونه هایی از این احکام در قرآن کریم می پردازیم:

#### خداوند در سوره مائده درباره تیمم می فرماید:

{ وَ اِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ اَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ اَوْ جَاءَ اَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ اَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَاَمْسَحُوا بِوُجُوْهِكُمْ وَاَيْدِيكُمْ مِنْهُ... }؛ اگر بیمار یا در سفر باشید، یا یکی از شما از قضای حاجت آمد، یا با زنان نزدیکی کردید و آبی نیافتید، پس با خاک تیمم کنید و از آن به صورت و دستهایتان بکشید....

همانگونه که مشاهده می شود از آیه فوق پنج مورد می توان برداشت نمود: اول: آب نباشد و یا دسترسی به آن نداشته باشد- دوم: آب برای انسان ضرر داشته باشد، مثلاً به سبب استفاده از آب، مرضی در او پیدا می شود- سوم: اگر آب را به مصرف وضو یا غسل برساند، بیم آن می رود که خود یا همسر یا فرزندان یا رفیق یا کسانی که به وی مربوطند، از تشنگی بمیرند یا مریض شوند یا به قدری تشنه شوند که تحمل آن مشقت دارد و همچنین کسی که حفظ جان او واجب است طوری تشنه باشد که اگر آب را به او ندهند، تلف شود- چهارم: بدن یا لباس او نجس است و آب بیش از تطهیر آن نداشته، لباس دیگری هم ندارد- پنجم: وقت برای وضو گرفتن یا غسل کردن ندارد؛ به طوری که اگر وضو بگیرد یا غسل کند، تمام نماز یا مقداری از آن بعد از وقت خوانده می شود.

#### خداوند در سوره نساء درباره نماز مسافر می فرماید:

{ وَ اِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْاَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ اَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ... }؛ هرگاه در زمین راه می پیمایید (به سفر) می روید، بر شما باکی نیست که نماز را کوتاه کنید.

انسان باید در سفر، با شرایطی که خواهد آمد، نمازهای چهار رکعتی را دو رکعت (یعنی قصر) به جا آورد: اول: سفر او کمتر از هشت فرسخ شرعی (تقریباً ۴۵ کیلومتر) نباشد. -دوم: از اول مسافرت، قصد پیمودن هشت فرسخ را داشته باشد. -سوم: به حد ترخُّص برسد. -چهارم: در بین راه، پیش از رسیدن به چهار فرسخ از قصد خود برنگردد. -پنجم: نخواهد پیش از رسیدن به هشت فرسخ از وطن خود بگذرد، یا ده روز یا بیشتر در جایی بماند. -ششم: برای کار حرام سفر نکند و خود سفر هم حرام نباشد. -هفتم: بیابانگرد نباشد. -هشتم: شغل او مسافرت نباشد.

حال به بررسی دو شرط اول از شروط ذکر شده می پردازیم: شرط اول: الف: کسی که رفت و برگشت او هفت فرسخ است اگر رفتن او کمتر از چهار فرسخ نباشد، باید نماز را شکسته بخواند، ولی اگر رفتن، کمتر از چهار فرسخ باشد، مثلاً سه فرسخ می رود و پنج فرسخ برمی گردد، باید نماز را تمام بخواند. -ب: اگر شهر دیوار دارد، باید ابتدای هشت فرسخ را از دیوار شهر حساب کند و اگر دیوار ندارد، باید از خانه های آخر شهر حساب کند. -پ: اگر انسان شک کند که سفرش هشت فرسخ است یا کمتر، مسئله دو صورت دارد: اول: اگر تحقیق کردن برایش مشقت ندارد، بنابر احتیاط واجب باید تحقیق کند. -دوم: اگر تحقیق کردن برایش مشقت آمیز است، باید نماز را تمام بخواند. -ت: اگر بین دو محلی که فاصله آنها کمتر از چهار فرسخ است، چند مرتبه رفت و آمد کند، اگرچه روی هم هشت فرسخ شود، باید نماز را تمام بخواند. -ث: اگر به جایی می رود که دو راه دارد: یک راه کمتر از هشت فرسخ است و راه دیگر هشت فرسخ یا بیشتر، اگر از راهی که هشت فرسخ است برود، باید نماز چهار رکعتی را دو رکعتی بخواند و اگر از راهی که هشت فرسخ نیست برود، باید نماز را چهار رکعتی بخواند. شرط دوم: الف: اگر انسان از ابتدا قصد مسافرت هشت فرسخ نداشته باشد و به جایی مسافرت کند که کمتر از هشت فرسخ است و بعد از رسیدن به آنجا، تصمیم بگیرد که سفر را ادامه دهد، پس اگر بخواند: اول: هشت فرسخ دیگر راه برود و برگردد و مجموع رفت و برگشت، کمتر از هشت فرسخ نباشد، باید نماز را قصر بخواند. -دوم: به جایی برود که با مقدار راه آمده، هشت فرسخ می شود و خود به تنهایی هشت فرسخ نیست، چون از اول قصد هشت فرسخ را نداشته، نماز تمام است. -ب: کسی که در سفر به اختیار دیگری است، مانند فرزند که همراه پدر و مادر به سفر می رود یا سربازی که با فرمانده است چنانچه بداند سفر او هشت فرسخ است، باید نماز را قصر بخواند.

#### دانشمندان مشهور فقه:

بی تردید هر رشته ای دانشمندانی دارد که زندگی خود را وقف شکوفایی آن نموده اند، در فقه نیز استادان بزرگواری از زمان معصومین (علیهم السَّلام) و بعد از ایشان وجود داشته که زحمات فراوان و مرارت های بسیاری کشیده اند تا این رشته مهم را به شکوفایی برسانند. حال به معرفی افرادی در این راستا می پردازیم و اطلاعات جامع و کوتاهی درباره ایشان بیان مینمائیم:

#### هشام ابن حکم:

هشام از دانشمندان دوره اندیشه های نخستین فقهی و همچنین از شاگردان به نام حضرت امام جعفر صادق (علیه السَّلام) بود. بر حسب آنچه در کتاب رجال خود آورده از امام موسی کاظم (علیه السَّلام) نیز روایت نموده است. بنابراین قول لا اقل تا سال ۱۵۰ هجری در قید حیات بوده است. هشام در مبادی اصول و فقه «رساله الفاظ و مباحثها» را نگاشته است.

#### یونس ابن عبدالرحمن:

وی از شاگردان امام موسی کاظم (علیه السَّلام) بود که «رساله اختلاف الحدیث و مسائلها» را نوشت. این رساله مشتمل است بر مبحث تعارض بین دو حدیث و مسائل مربوط به تعادل و ترجیح دو روایت متعارض. او نوشته های خود را به صورت روایت از امام موسی کاظم (علیه السَّلام) نقل می کند. آراء یونس ابن عبدالرحمن در مباحث فقهی مانند: احکام خلل صلاه، زکات، نکاح و ارث بر جای مانده که در کتب فقهی ادوار بعد اشاراتی به آن ها شده است.

**سید مرتضی:**

علی ابن حسین ابن موسی معروف به «سید مرتضی» و «علم الهدی» در سال ۳۵۵ هجری در بغداد دیده به جهان گشود و پس از گذشت هشتاد سال پر برکت از عمرش به سال ۴۳۶ هجری در همان شهر چشم از جهان فرو بست. سید از ناحیه نیاکان پدری از طریق طالبیان بغداد با پنج واسطه به امام موسی کاظم (علیه السلام) می رسد و از جهت مادر از طریق علویان طبرستان به چهارمین امام معصوم (علیه السلام) شیعیان نسب می برد. یکی از آثار گرانقدر ایشان «الانتصار» می باشد که یکی از کتب فقهی می باشد.

**شیخ طوسی:**

محمد ابن حسن ابن علی ابن حسن، مشهور به «شیخ طوسی» و «شیخ الطائفه» در سال ۳۸۵ هجری یعنی چهار سال پس از وفات شیخ صدوق (ره)، در خراسان دیده به جهان گشود. وی به سال ۴۰۸ هجری در سن ۲۳ سالگی وارد بغداد شده و مدت پنج سال به شاگردی در محضر مفید حاضر شد. وی پس از مفید شاگرد و ملازم خاص سید مرتضی بود. پس از آنکه سید مرتضی در ۴۳۶ هجری به سرای عقبی شتافت، زعامت و رهبری شیعه به شیخ طوسی رسید.

**ابن ادریس حلّی:**

ابوجعفر محمد ابن منصور ابن احمد ابن ادریس، از دانشمندان نامور مدرسه فقهی حلّه است که به نام جدّ اعلاّی پدری خود به «ابن ادریس حلّی عجلّی» شهرت یافته است و نیای مادری وی شیخ طوسی است. ابن ادریس به سال ۵۴۳ هجری در حلّه متولد و به سال ۵۷۸ هجری یا به نقلی ۵۹۰ هجری در سن ۵۵ یا ۵۷ سالگی به سرای باقی شتافت. کتاب فقهی او موسوم به «السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی» است.

**علامه حلّی:**

جمال الدّین ابومنصور، حسن ابن یوسف ابن علی ابن مطهر حلّی مشتهر به «علامه حلّی» فقیهی بزرگ از خاندان فقاها و علم بود که در سال ۶۴۸ هجری به دنیا آمد و به سال ۷۲۶ هجری در گذشت پدرش سدید الدّین یوسف، دائی وی محقق حلّی و پسر عمّ مادرش شیخ نجیب الدّین یحیی، جملگی از اساتید او در این خاندان بودند. کتاب «تذکره الفقهاء» این دانشمند بسیار مشهور است.

**شهید اول:**

شمس الدّین محمد ابن مکی در سال ۷۳۴ هجری قمری در قریه جزین جبل عامل، در لبنان کنونی چشم به جهان گشود و در سال ۷۸۶ هجری در دمشق به شهادت رسید. و از آن پس به نام شهید معروف شد. او از اجلّه فقهای نامور قرن هشتم بود. مهمترین اثر وی درباره فقه «اللمعه الدمشقیّه» است.

**شهید ثانی:**

زین الدّین ابن علی ابن احمد که در سال ۹۱۱ هجری قمری به دنیا آمد و به سال ۹۶۶ هجری به شهادت رسید، با نوشتن شرح متقن و محکم خود به نام «الرّوضه البهیّه فی شرح لمعه الدمشقیّه» که به «شرح لمعه» معروف است این اثر را در زمره یکی از آثار بسیار معتبر فقه شیعه در آورد، به گونه ای که هم اکنون پس از گذشت سال ها از نگارش آن، هنوز در زمره متون درسی حوزه ها و مجامع فقهی است.

بحث و نتیجه گیری:

فقه به عنوان یکی از بزرگترین منابع اسلامی که از زمان معصومین (علیهم‌السلام) وجود داشته است، به دلیل نگارش آن بر اساس متن قرآن کریم و همچنین مطابقت داشتن آن با سنت رسول گرامی اسلام حضرت محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله) و امامان معصوم (علیهم‌السلام) و اجماع فقها که درباره مسائل شرعی انجام پذیرفته و از آنجایی که عقل احکامی را که توسط فقها از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و قرآن کریم بیان گردیده است را پذیرفته، همواره و در تمام ادوار اسلامی مورد استفاده قرار گرفته است. حکومت جمهوری اسلامی ایران که یک حکومت با ماهیتی اسلامی است، حقوق مردم را بر طبق احکام الهی که در متون فقهی به طور کامل نگاشته شده اند، تدوین نموده است. همانگونه که مورد بررسی قرار دادیم مسائل گوناگون من الجمله حقوق مدنی با استفاده از این منبع که خود برگرفته از قرآن کریم معجزه جاویدان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و قانون اساسی مسلمین جهان است، قابل حل است. فقه با توجه به اسناد و دلایلی که در طول تاریخ توانایی آن را اثبات نموده است، می تواند در همه ادوار پاسخگوی سوالات شرعی و قانونی باشد.

منابع

- بوشهری، دکتر جعفر. (۱۳۵۴). حقوق اساسی جلد اول. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- بوشهری، دکتر جعفر. (۱۳۵۲). حقوق اساسی جلد دوم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- شهابی، محمود. (۱۳۶۹). ادوار فقه. تهران: انتشارات طبع و نشر.
- حکیم، محمد تقی. (۱۳۹۰). اصول العامه للفقہ المقارن. تهران: انتشارات مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
- شهید اول، محمد ابن جمال الدین مکی. ذکری الشیعه. قم: انتشارات آل بیت.
- شهید اول، محمد ابن جمال الدین مکی. اللمعه الدمشقیه. ترجمه: مسجد سرائی، حمید. (۱۳۹۹). تهران: انتشارات خط سوم.
- شهید ثانی، زین الدین ابن علی ابن احمد. الروضه البهیة فی شرح لمه الدمشقیه. ترجمه: لطفی، اسدالله. (۱۳۸۴). تهران: انتشارات مجد.
- صدری، محمد. (۱۳۷۹). مبادی فقه. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- موسوی خمینی، روح الله. (۱۳۸۵). صحیفه امام خمینی (ره). تهران: انتشارات مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
- موسوی خمینی، روح الله. (۱۳۶۷). تحریر الوسیله جلد دوم. تهران: انتشارات اعتماد کاظمینی.